



گذری بر تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و ... میانمار (برمه) (قسمت پایانی) / اوضاع فرهنگی و اقتصادی شیعیان در میانمار (برمه)

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: اسفند 1391 - شماره 622
از 33 تا 40

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/974779>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 20/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اوضاع فرهنگی و اقتصادی شیعیان

در میانمار(برمه)

تهدید هویت

مسلمانان و دیگران پدید آورده است، یکی از آداب و رسوم آنان این است که هرگاه میهمانی بر آنان وارد شود، همسایه‌ها را خبر کرده و دسته‌جمعی در برنامه‌های شام و ناهار شرکت می‌کنند، در عین حال تمایزهایی بین افراد مسلمان و غیر مسلم دیده می‌شود؛ از جمله آن‌که اشخاص مسلمان برای انجام مراسم عبادی، دعا و ذکر بسیار سحرخیز هستند، ولی بومیان بودایی بسیار دیر از خواب بر می‌خیزند و مسلمانان در نمازهای جمعه و جماعت حضوری فعال دارند و مساجد آنان از تحرک و تجمع خوبی برخوردار است و در این مراسم، تأثیرپذیری از بودائی‌ان دیده نمی‌شود ولی بودائی‌ان هنگام

اگر مردم کشور میانمار بودایی مذهب‌اند و رفتاری توأم با مهربانی و صمیمیت در برخورد با دیگران دارند و حساب آنان از افراطیون بودایی که به خشونت و خون‌ریزی فکر می‌کنند، جداست. فرهنگ بومی آنان بنا بر سنت‌های مسلمانان، نوعی تعامل دارد و هرکدام بر دیگری اثر گذاشته است به نحوی که فرهنگ و آیین‌های افراد مسلمان، نوعی فرهنگ بومی برمه‌ای را در درون خود جای داده است، این ویژگی‌ها درباره شیوه زندگی، سفره‌آرایی، میهمان‌نوازی، برخی آیین‌های مربوط به اعیاد و وفیات دیده می‌شود و این امر شباهت‌هایی را میان

اسلامی و ارزش‌های ناشی از آیین ندارند، بلکه با تعالیم این دین در تناقض و تضادند، برخی مدارس اسلامی که کودکان و نوجوانان را برای رشد دینی و اخلاقی آموزش می‌دهند، در روزهای تعطیل هفته دایرند و این نسل نوحاسته در روزهای هفته در مدارس دولتی

آموزش نزد معلمان غیر مسلمان در بسیاری از اوقات، کودکان و نوجوانان مسلمان را در معرض محو گردیدن در فرهنگ جامعه غیر اسلامی و تضعیف هویت اسلامی قرار می‌دهد، به‌ویژه در مدارس مختلط که نوجوان، در سن بلوغ می‌باشد و مفساد اخلاقی بر این عارضه افزوده می‌گردد.

درس می‌خوانند و این دو روش با یکدیگر منافات دارند و البته بدیهی است که آنان لازم است برای اخذ مدرک تحصیلی، تقویت موقعیت علمی

اجرای سنت‌های مذهبی ویژه خود، این مراسم را با استفاده از ساز و آواز و آلات و ادوات موسیقی سنتی برپا می‌کنند، متأسفانه چنین وضعی در برخی سنت‌های مذهبی مسلمانان از جمله روضه‌خوانی نفوذ کرده و شیعیان با آلات موسیقی بومی به عزاداری می‌پردازند^(۱).

از این مسأله که بگذریم، مسلمانان؛ در میان اکثریتی بودایی، با تهدیدهای فکری، فرنگی و آموزشی روبه‌رو هستند که به مراتب، از خطر تهاجم فیزیکی و بازداشت‌ها و شکنجه‌ها و حبس اسفناک‌تر است. آنان باید در برابر هرگونه شرایط ناگوار ناشی از رسوخ عقاید بت‌پرستی مقاومت کنند. نظام آموزشی در کشور برمه بر اساس یک برنامه‌ریزی ملی، پرورش اکثریت بودایی است که تحصیل مسلمانان در این مراکز، خود بزرگ‌ترین خطر برای اقلیت مسلمان می‌باشد، به علاوه این نظام‌ها هیچ‌گونه تمهیدی نسبت به اصول

۱. ماهنامه بین‌المللی زاویر، ش ۱۰۵، ص ۴۰.

و اجتماعی و به دست آوردن شغل مناسب، در مدارس رسمی تحصیل کنند. آموزش نزد معلمان غیر مسلمان در بسیاری از اوقات، کودکان و نوجوانان مسلمان را در معرض محو گردیدن در فرهنگ جامعه غیر اسلامی و تضعیف هویت اسلامی قرار می دهد، به ویژه در مدارس مختلط که نوجوان، در سن بلوغ می باشد و مفاسد اخلاقی بر این عارضه افزوده می گردد.

از مشکلات آموزشی که بگذریم، امر خطرناک دیگر، مسائل تربیتی است، یک خانواده مسلمان باید بکوشد، بر اساس تعالیم و ارزش های دینی، تغییرات مطلوبی در رفتار و شخصیت فرزندان خود به وجود بیاورد و آنان را با چنین فرهنگی پرورش دهد. اما امروزه این؛ خانواده نیست که در تربیت آنان دخالت دارند، بلکه عواطف دیگری نیز چون نهادهای آموزشی و فرهنگی، روابط اجتماعی، رسانه ها و مطبوعات، تبلیغات فرهنگ مهاجم و

غالب بودایی، آموزه های درج گردیده در کتاب های درسی رسمی در تحول شخصیتی اطفال، نوجوانان و جوانان مؤثرند و از این رهگذر اگر مراقبت های لازم صورت نگیرد، آنان در معرض تهدید هویت اسلامی خواهند بود، در کشور برمه این وضع آشفته تر است زیرا دولت مرکزی در برنامه های فرهنگی و آموزشی خود و نیز فعالیت های ترویجی، توطئه هایی را برای تصفیه و محور زندگی اسلامی ترتیب می دهد. به علاوه مسلمانی که بخواهد در جامعه بودایی زندگی کند و در این وضع نگران کننده ارزش های آیین خود را حفظ کند و آن ها را به نسل بعدی انتقال دهد، با دشواری های اجتماعی روبه روست، فرزندان نیز در کشمکش جادّ دو روش قرار می گیرند، یعنی بین انتظارات دینی و مسئولیتی که آیینش بر دوش او گذاشته است و واقعیت اجتماعی که در آن زندگی می کند. و در واقع خود را در مقابل این معادله می بیند

دارد، شیعیان در دیگر شهرها هم مسجد و حسینیه (امام باره)، آستانه و دیگر مراکز فرهنگی ایجاد کرده‌اند و انجمن‌هایی چون منگولید، عباسیه و حیدریه دارند که تعداد قابل توجهی از آنان به عضویت این نهادها درآمده‌اند. گروهی از جوانان شیعه در سال ۱۹۰۹م اتحاد جوانان ایرانی را تشکیل دادند که با عضویت گسترده، نامش را به اتحادیه ایرانیان و بعدها به باشگاه ایرانیان تغییر دادند، البته در دهه‌های اخیر فعالیت‌های این اتحادیه به حالت تعلیق درآمده است.

شیعیان برمه دارای اصالت هندی و ایرانی می‌باشند و در قرن‌های گذشته از شهرهای شیراز، کاشان، بهبهان و یزد به برمه مهاجرت کرده و در برخی شهرهای آن اقامت گزیده‌اند. غالب شیعیان هندی که بعد از جنگ جهانی دوم به برمه رفته‌اند، از شهر نگر

که چگونه بر اسلامی بودن خود پایدار بماند و هجوم سنت‌های اجتماعی را خنثی کند^(۱).

شیعیان برمه

اکثریت مسلمانان میانمار، سنی مذهب هستند ولی اقلیتی شیعه که به حدود سی هزار نفر بالغ می‌گردند، در میان آنان زندگی می‌کنند. آنان در رانگون، ماندلی، آماماراپور Amamarapura، تانگچی Taunggyi، فانگو Tangoe، و پروم Prome سکونت دارند، در دیگر شهرها چون ساندولی Sandowy مالین Moulein و میکچی Myitkyina نیز شیعیان دیده می‌شوند. کانون اصلی آنان در جنوب برمه و در رانگون می‌باشد و مسجد شکول شیعه (مسجد ایرانیان) محل اصلی تجمع آنان است، رهبری آنان در سال‌های اخیر با آقای عطا شفیع شیرازی است که بر فعالیت‌های تمامی مساجد و مراکز شیعه در میانمار اشراف

۱. در این باره بنگرید به مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقویب مذاهب اسلامی.

نمی‌روند و حتی به تلویزیون نگاه نمی‌کنند، زن‌ها از هرگونه آرایشی پرهیز می‌کنند، اکثر مردم، جامهٔ مشکی بر تن می‌کنند، در دههٔ اول محرم، شیعیان از نقاط مختلف برمه به رانگون در جنوب می‌آیند تا در امام‌بارۀ این شهر عزاداری با شکوهی برگزار کنند. در برنامه‌های

اکثریت مسلمانان میانمار، سنی‌مذهب هستند ولی اقلیتی شیعه که به حدود سی هزار نفر بالغ می‌گردند، در میان آنان زندگی می‌کنند. آنان در رانگون، ماندلی، آماپاپور، تانگچی، قانگو، و پروم سکونت دارند، در دیگر شهرها چون ساندوی‌مالمین و میکچی نیز شیعیان دیده می‌شوند.

شیعیان مسایلی دیده می‌شود که پایه و اساس دینی ندارد و آلوده به خرافات یا متأثر از آیین‌های بودایی است مثل قمه‌زنی، عبور از آتش و پاک دانستن خونی که در عزاداری ریخته می‌شود، در برخی جوامع شیعی، حدود شرعی

می‌باشند. مسجد ایرانیان نسبتاً وسیع و دارای جلوه‌های معماری به سبک ایرانی است اما هندیان مسجد کوچکتری با تأثیرپذیری از معماری هندی دارند، در شصت سال اخیر مبلغانی از ایران و هند برای تبلیغ در ماه‌های رمضان، محرم و صفر به این دو مسجد آمده‌اند و در آن به اقامهٔ نماز جماعت، سخنرانی و برنامه‌های آموزشی پرداخته‌اند و نماز جمعه هم خوانده‌اند، شیعیان در ایام ولادت و شهادت ائمه مراسم ویژه‌ای برگزار می‌کنند اما مهم‌ترین و مفصل‌ترین مراسم آنان مربوط به ایام محرم و صفر است که طی آن برای سالار شهیدان و حماسه‌آفرینان کربلا به سوگواری می‌پردازند، آیین عزاداری‌های آنان متأثر از منطقهٔ سند و پاکستان و عموماً شبه قارهٔ هند است، آنان در این دو ماه لباس نو در بر نمی‌کنند، جشن عروسی را ممنوع کرده‌اند، به سینما و سایر مراکز تفریحی

کهن فارسی که غالباً در سنگ‌نوشته‌ها مشاهده می‌گردد، استفاده از کلماتی است که ریشه فارسی دارند، مثل آستانه، عزاداری، خداحافظ، نماز، خواندن مرثیه به سبک ادبیات ایرانی در عزاداری‌ها از نشانه‌های وابستگی آنان به فرهنگ ایران اسلامی است و تمام آرزوی آنان این است که به ایران سفر کنند، در میان شیعیان، سنت‌های ریشه‌دار و زیبا هم قابل مشاهده است مثل احترام و اعتقاد شدید به امامان شیعه، بخصوص حضرت امام حسین و حضرت مهدی موعود(ع).

حضور فعال و توأم با علاقه و اشتیاق در مراسمی که برای ائمه منعقد می‌گردد، علاقه به فراگیری دستورات دینی و معارف اسلامی، آموزش و به کارگیری کودکان، نوجوانان و جوانان در مراسم و برنامه‌ها قابل توجه است، همچنین اهمیت دادن به نماز جماعت و جمعه و تعقیبات و مستحبات نمازهای واجب.

در ایجاد رابطه با نامحرم کمتر رعایت می‌گردد، زنان نیز حجاب ناقصی دارند و پوشش مناسب اسلامی در میان مردان و زنان کمتر دیده می‌شود، در رعایت طهارت و پاک نمودن خود از نجاست نیز تا حدودی اهمال می‌ورزند، برخی از این رفتارها و اعمال به سبب آن است که ایشان از فقر آموزش‌های دینی رنج می‌برند و بسیاری از دستورات و احکام شرعی را نمی‌دانند و معمولاً پاره‌ای سنت‌های آمیخته به خرافات را سینه‌به‌سینه برای یکدیگر نقل کرده‌اند. با قرآن آشنایی اندکی دارند و تنها در ماه رمضان، جلسات قرائت قرآن را برپا می‌کنند، از ائمه هدی(ع) هم تنها نام و زمان ولادت و شهادتشان را می‌دانند و با فضایل آن ستارگان درخشان کمتر آشنایند. در میان ایرانیان شیعه آمیختگی فرهنگ اسلامی با مسایل ایرانی مشهود است و به این ویژگی افتخار می‌کنند. در مواردی چون استفاده از خط و شعر

رسمی برمه‌ای، نام رسمی اسلامی برای خود و فرزندان بر می‌گزینند، بسیاری از این نام‌ها صبغه‌ای ایرانی اسلامی دارند مثل میرزا غلام حسین، علی رضا، حسین بیگ، رستم علی شیرازی، زینب خانم، مهرین بانو، عرفانه بانو، سلطان، گلشن بانو.

آنان در این دو ماه لباس نو در بر نمی‌کنند، جشن عروسی را ممنوع کرده‌اند، به سینما و سایر مراکز تفریحی نمی‌روند و حتی به تلویزیون نگاه نمی‌کنند، زن‌ها از هرگونه آرایشی پرهیز می‌کنند

سنگ قبرهای آنان در قبرستان‌های قدیم و جدید نیز شاهد گویای دیگری بر این مدعاست.

شیعیان، در مراسم عید نوروز بعد از دعای تحویل سال، چهار رکعت نماز می‌خوانند و ۳۹۶ بار یا ذالجلال و الاکرام می‌گویند، سپس اهالی، از طرف مسجد یا مدرسه علوم دینی پذیرایی می‌گردند، بعد از آن شیعیان به

از نظر اقتصادی و اجتماعی، اوضاع شیعیان در حد متوسط متمایل به پایین است و به شغل‌هایی نظیر صیادی، دریانوردی، دوره‌گردی و رانندگی مشغولند، اگرچه سطح زندگی در میان آنان ساده و معمولی است، ولی در بین شیعیان افرادی معدود صاحب نفوذ و برخوردار از رفاه و ثروت، دکتر، وکیل دادگستری، مهندس و تاجر برجسته دیده می‌شود، افراد مرفه و مشغول به امور دنیوی، به مسجد و عبادت و مراسم دینی کمتر رغبت دارند.

در برخی شهرها، شیعیان؛ مذهب خود را اظهار نمی‌دارند ولی وقتی یک عالم شیعی یا روحانی را می‌بینند، به یکدیگر اطلاع داده و در مجلسی که وی ترتیب می‌دهد، اجتماع می‌کنند. به روحانیان اعتماد دارند و برای ایشان احترام خاصی قائلند و در مراسم گوناگونی که آنان ترتیب می‌دهند، شرکت می‌کنند.

مسلمانان برمه (شیعیان) علاوه بر نام

از سوی دولت گردید، رؤوس برنامه‌هایش عبارتند از: زبان و ادبیات فارسی و عربی، فقه، اصول، عقاید و احکام و متون کلامی و اخلاقی و نیز زبان انگلیسی. فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی آن عبارتند از: مسابقه حفظ سوره‌های قرآن کریم، برپایی مراسم

خانه‌های خود رفته و از منزل ظرف‌هایی که حاوی مخلوطی از گلاب، گل نرگس و زعفران است، به مسجد می‌آورند و به عنوان تبرک و در آرزوی رفع گرفتاری‌های شیعیان جهان به دیگران می‌پاشند، آنان در روز عید غدیر خم، ایام مباحله، عرفه، عید قربان، مراسم و جشن‌های باشکوهی دارند و نماز عید قربان (اضحی) با حضور عده‌ای از شیعیان برپا می‌شود. و از خواندن دعای کمیل، دعای ویژه حضرت مهدی (ع)، زیارت عاشورا و زیارت وارث در مساجد و حسینیه‌ها نیز غافل نمی‌باشد.

حضور فعال و توأم با علاقه و اشتیاق در مراسمی که برای ائمه منعقد می‌گردد، علاقه به فراگیری دستورات دینی و معارف اسلامی، آموزش و به کارگیری کودکان، نوجوانان و جوانان در مراسم و برنامه‌ها قابل توجه است، همچنین اهمیت دادن به نماز جماعت و جامعه و تعقیبات و مستحبات نمازهای واجب.

در اسفند سال ۱۳۷۵ش مدرسه علوم اسلامی حجتیه در شهر پروم برمه تأسیس گردید، این مدرسه با برنامه درسی دوره تمهیدی (دوره آمادگی) و با پذیرش تعدادی طلبه شروع به کار نمود و بعد از مدت کوتاهی تعدادی از برادران و خواهران برای تحصیل علوم دینی پذیرفته شدند، این مدرسه در سال بعد از تأسیس، موفق به اخذ مجوز

اعیاد و وفیات ائمه هدی، اقامه نماز جماعت و برگزاری درس اخلاق، تشویق و ترغیب به برپایی شعائر دینی و انس با دعا و ذکر و امور مستحبی^(۱).

۱. اقتباس و مأخوذ از: ماهنامه زائر، ش ۱۰۵، ص ۴۱، آیشاره‌های عاشورایی، ص ۸۷، ماهنامه موعود، ش ۱۲۹ و ۱۳۰ - آفاق اسلام، ج ۴۷،